

استراتژی اسرائیل از آغاز مثله کردن فلسطین بود

تیراقتصادی

آروشی پانیا



جنوب باریکه‌ی غزه، ۱۱ ژوئن ۲۰۲۴ - AFP

«مثله کردن» به معنی جدا کردن هولناک بخشی از بدن از سایر بخش‌های آن است، جدا کردن یک بخش از کل، و در عین حال برجای گذاشتن داغ خشونت بر روی کل، تا هر نگاه به بدن قطع عضو شده، خاطره‌ی خشونت را یادآوری کند و تداعی‌گر ترس باشد.

مثله کردن بر ادراک یا هدف بدن نیز تأثیر می‌گذارد: اگر کتابی با قیچی بریده شود، کماکان کتاب است؛ اما نمی‌توان آن را به همان شکل قبل از مثله شدن خواند. شاید هدف از مثله کردن یک کتاب دقیقاً این باشد که نتوان آن را به همان شکل پیشین خواند.

بنابراین، تاریخ مثله کردن، تاریخ عذاب و تجربه‌ی خشونتی است که هدفش تغییر هستی سوژه/بژه است.

اسرائیل یک دولت قومی - ملی (اتنوناسیونال)^۱ یا چیزی است که زندان شهر^۲ می‌نامم و براساس ریشه‌های قومی ساختگی شهروندان یهودی خود را ممتاز می‌شمرد و به آن‌ها اختیار می‌دهد تا بر فلسطینیان بومی اعمال مجازات کنند.

چنین دولتی گروه زبردست را از طریق نامرئی کردن، داغ‌زنی مکانی و آنچه که فیلمساز آلمانی «هیتو استیرل» به‌عنوان «طرح کشتار» توصیف کرده، تحت ستم نژادی قرار می‌دهد. این طراحی کشتار یک ترکیب گسترده و برنامه‌ریزی شده از نیروی نظامی و فناوریانه، قانون‌شکنی و انتقال جمعیت است.

از اکتبر ۲۰۲۳، حمله‌ی نظامی علیه غزه و ساکنان آن، استراتژی دیگری را آشکار کرده که صهیونیست‌ها مدت‌هاست دنبال کرده‌اند: «مثله کردن فلسطین» که از اوایل قرن بیستم آغاز شد.

انواع مثله کردن

در چارچوب فلسطین، «مثله کردن» چندین دلالت معنایی دارد. در سال ۱۹۴۸ همچنان که سرزمین فلسطین تکه‌تکه و در میان مناطق اسرائیل تقسیم شد، و در عین حال کرانه‌ی باختری، غزه و بیت‌المقدس شرقی تحت اشغال خارجی بود، مثله کردن نقشه‌ی فلسطین انجام شد.

مثله کردن فلسطین

«مثله کردن» تاریخی نیز بود، زیرا پس از ۱۹۶۷ کرانه‌ی باختری و غزه تفاوت‌ها و شباهت‌های اسکیزوفرنیایی داشتند. تاریخ آن‌ها به ترتیب از مسیر ایستگاه‌های بازرسی و حصارها می‌گذرد، و با این حال فلسطینی‌ها مجبور به زندگی جدا از هم و تقریباً بدون ارتباط با یکدیگر شدند.

در عین حال، دولت قومیتی صرف‌نظر از قلمرو، تنها با هدف سلطه‌ی نژادی، کنترل خود را بر فلسطینیان حفظ کرد.

در سال ۱۹۶۷، با الحاق و اشغال سه قلمرو توسط اسرائیل مثله کردن ادامه یافت. مثله کردن گفتاری هم بود؛ زمانی که نخست‌وزیر وقت گلدا مایر در سال ۱۹۶۹ ادعا کرد که «چیزی به نام فلسطینیان وجود ندارد» که هدف آن مشروعیت‌زدایی از تاریخ و هستی فلسطینیان در آن سرزمین بود.

۷۰۰ هزار فلسطینی که آواره شده بودند، «حاضران غایب» خوانده شدند تا صندوق ملی یهود بتواند خانه‌های آن‌ها را تصاحب کند.

مثله کردن جای‌شناختی (توپوگرافیک) هم بود، زیرا دولت قومیتی درختان زیتون بومی را از ریشه بیرون می‌آورد تا درختان کاج بکار که تقلید منظره‌ای اروپایی‌تر است؛ نام‌های عربی شهرها را با نام‌های عبری جایگزین کرد؛ زمین‌های کشاورزی فلسطینی را از طریق دیوار پریپچ‌وخم در کرانه‌ی باختری جداسازی و جاده‌ها را برای استفاده‌ی اسرائیلی‌ها و فلسطینی‌ها تفکیک کرد.

روان زخم (تروما) ناشی از مثله شدن

جسبیر ک. پوار، پژوهشگر مطالعات قومی، مشاهده می‌کند که اسرائیل به‌طور سنتی برای خود «حق نقص عضو» فلسطینیان را قائل است؛ و می‌گوید دولت قومیتی اختیاراتی فراتر از چیزی دارد که میشل فوکو، فیلسوف فرانسوی، تحت عنوان قدرت «زیست‌سیاست» دولت مفهوم‌سازی کرد، به عبارت دیگر تصمیم می‌گیرد چه کسی زنده بماند و چه کسی بمیرد.

مثله کردن دولت قومی را قادر می‌سازد تا حدی نابود کند، از کار بیندازد و این اختیار را حفظ کند که چه کسی بهبود یابد.

در داستان کوتاه «بخواب، دکتر شوت» از مجموعه داستان‌های علمی تخیلی ویران‌شهری (دیستوپایی) به نام «فلسطین +۱۰۰» که در سال ۲۰۱۹ منتشر شد، سلمی الدباغ، غزه‌ی سال ۲۰۳۴ را به تصویر می‌کشد. راوی داستان، لیلا وطن، ساکن غزه است و اعتراف می‌کند که از دانشمند نوآوری به نام «مونا کمال» جاسوسی می‌کند که اندام‌های مصنوعی سه‌بعدی برای افراد معلول ایجاد کرده و یک ارتش روباتیک ساخته است.

راوی برای جاسوسی از کمال موافقت می‌کند تا شغلی در منطقه‌ی محصور علمی به دست آورد که حکایت از آن است غزه در آینده همچنان از ویرانی اقتصادی رنج می‌برد. از طریق تکنیک‌های روایی، اثرات مثله‌کردن به آزمایش‌های علمی توانمندساز تبدیل می‌شوند، اما همچنان حامل روان‌زخم عمیق فقدان است.

رمان تجربی «رقص عقرب آبی عمیق» اثر اکرم مسلم، مثله‌شدن زندگی فلسطینیان تحت اشغال اسرائیل را توصیف می‌کند. راوی، تحت تأثیر از دست دادن پای پدرش پس از پا گذاشتن روی میخی در سال ۱۹۶۷، همراه با از دست دادن خانه و زمین خانواده‌شان قرار دارد. پدرش با وجود قطع شدن پایش، همچنان در پای خیالی‌اش احساس خراش می‌کند.

درحالی که تبیینی پزشکی و عصب‌شناسانه از احساس درد در اندامی که از دست داده‌ایم وجود دارد، چگونه می‌توانیم رنج ناشی از آوارگی و مثله‌کردن یک سرزمین را توصیف کنیم؟

روان‌زخم مثله شدن، زندان جدید زندان شهر اسرائیلی است.

«نابودی کامل»

ریتا سکر، پژوهشگر ادبیات پسااستعماری و جهانی، مشاهده می‌کند که قطع عضو فیزیکی نویسندگانی مانند عاطف ابوسیف، که کتاب «پهپاد با من غذا می‌خورد: خاطرات روزانه‌ی غزه» را نوشته است، موجب شد فرم روایتی جدیدی را بیافریند که ترکیبی از شهادت، نثر شاعرانه‌ی خاطرات جنگی و بررسی اجتماعی-سیاسی است.

مثله کردن فلسطین

مثله شدن ابوسعید را مجبور کرد تا چیزی را که من «کنایه‌ی وارونه» می‌نامم، ابداع کند. برخلاف کنایه که در آن یک بخش به کل اشاره دارد، در این‌جا، کل تجزیه می‌شود تا به جزئیات معنا دهد. وقتی واقعیت بیش از آن وحشتناک است که بار روان‌زخم را تحمل کند، ساختمان‌هایی که منفجر می‌شود مترادف بدن‌های فلسطینیان است و وقتی روایت چنان هولناک است که نمی‌توان بار روان‌زخم را تحمل کرد، از روایت‌ها برای ابداع ادبی استفاده می‌شوند.

نسل‌کشی فلسطینیان بعد از اکتبر ۲۰۲۳، مثله‌کردن مدام جامعه‌ی فلسطین را به‌وضوح به نسل‌های جدید جوانان، دانشجویان و کارگران جهان نشان داده است. در پاسخ نامتناسب به حمله‌ی هفت اکتبر حماس، اسرائیل مثله‌کردن و از بین بردن غزه و شهروندانش را آغاز کرد. وضعیت کنونی فلسطینیان به لحاظ عددی و اخلاقی بدتر از نکبه‌ی سال ۱۹۴۸ است.

بیش از ۱.۲ میلیون فلسطینی چندین بار آواره شده‌اند و بیش از ۳۶ هزار نفر کشته شده‌اند که از این تعداد، ۱۵ هزار نفر کودک‌اند. این آمار شامل رقم تخمینی هزاران نفری نمی‌شود که در زیر آوار غزه هستند. بیش از ۸۰ هزار فلسطینی، شامل بیش از ۱۲ هزار کودک، زخمی شده‌اند.

در ژانویه، سازمان «نجات کودکان» گزارش داد که به طور متوسط هر روز بیش از ۱۰ کودک فلسطینی در جریان جنگ اسرائیل علیه غزه، یک یا هر دو پای خود را از دست می‌دهند.

علی‌رغم اتهام جنایات جنگی توسط دیوان کیفری بین‌المللی و درخواست برای اجرای آتش‌بس، دولت قومیتی با دستور کار مثله‌کردن عمل می‌کند: نابودی کامل. این مثله‌کردن که با بمباران شمال غزه آغاز شد به‌عمد زیرساخت‌ها را هدف قرار داده است، به این معنی که زمین‌های «آزاد» وجود خواهد داشت که صهیونیست‌ها می‌توانند در آن زندگی کنند و حتی به بازی‌هایی مانند «مونوپولی» مشغول شوند تا ساختن امپراتوری‌شان را تخیل کنند.

پزشکان، کادر درمانی و بیماران بیمارستان الشفا، بمباران شدند تا اطمینان حاصل شود که فلسطینی‌ها وسایل لازم برای بهبودی را ندارند و از ساختمانی که سازه‌اش ویران شده نمی‌توان برای سرپناه استفاده کرد.

مثله‌کردن، با بمباران مدارس، دانشگاه‌ها و موزه‌ها، پایگاه‌های دانش و بایگانی‌ها را نیز هدف قرار داده است، تا از طریق سوزاندن بایگانی‌ها و کتاب‌ها تولید دانش را از کار بیندازد. مثله‌کردن استراتژیک است زیرا از انواع مختلف مواد منفجره برای کشتن فلسطینیان گرسنه‌ای استفاده می‌شود که با پهپادهایی که صدای زنان و کودکان مضطرب را پخش می‌کنند، به بیرون کشیده می‌شوند.

زمانی که بیش از ۴۰۰ فلسطینی که در بدن‌شان آثار شکنجه و اعدام وجود داشت با بست‌های محکمی که بر گردن‌شان بسته شده بود در گورهای دسته‌جمعی پیدا شدند تحقیق پیش‌درآمدی آشکار برای مثله‌کردن بود.

حال که جهان وحشت‌زده است، ما فقط می‌توانیم بپرسیم: برای پایان دادن به این مثله‌کردن فلسطین و فلسطینیان چه چیزی لازم است؟

پیوند با منبع اصلی:

https://www.middleeasteye.net/opinion/mutilation-palestine-strategy-israel-since-inception?utm_source=twitter&utm_medium=social&utm_campaign=Social_Traffic&utm_content=ap_0orjub29z4

^۱ Ethnonational قومی-ملی به ساختاری اشاره دارد که در آن ملیت براساس تعلق به یک قوم خاص تعریف و ممتاز شمرده می‌شود.

^۲ carceralopolis ترکیبی از دو واژه‌ی «کارسرال» (carceral) و «پلیس» (polis) است. «کارسرال» به معنای مربوط به زندان یا سیستم زندان‌ها است. این واژه معمولاً به شرایط یا مکان‌هایی اشاره دارد که کنترل شدید و نظارت قوی بر مردم اعمال می‌شود، مشابه شرایط زندان. ترکیب این دو واژه به «کارسرالوپلیس» مفهومی از یک شهر یا دولت-شهر می‌دهد که مانند یک زندان بزرگ عمل می‌کند، یعنی جایی که سیستم‌های نظارتی و کنترل شدید بر مردم اعمال می‌شود.